

بر، زیربنای وحدت و الفت در جامعه



یکی از توصیه های مغفول و عمومی در روایات و آیات "بر" است ، اگر این واژه ی کم حجم به لحاظ حرف، اما بزرگ به لحاظ معنا، در رفتارهای ما متجلی شود بسیاری از مشکلات ما خود به خود حل می شود. نگاه ویژه جناب استاد مبلغی به روایات و آیات و نقش محوری آنها در حل مشکلات امت اسلام در مسئله "بر" بسیار زیبا نمود یافته که با کسب این نگاه امید است که کم کم بر مشکلات امت اسلامی فائق آییم. متن پیش رو برگرفته از یکی از جلسات استاد مبلغی ، با عنوان فقه امت می باشد که به خوانندگان عزیز تقدیم می گردد.

نقش بر در مناسبات امت

بر یکی از مفاهیم و عناوین فقه مناسبات اسلامی است. البته در حال حاضر که ما فقه مناسبات نداریم، بر حداقلی وجود دارد که حاشیه ای و استجابی و محدود به ارتباط فرد در قبال فرد دیگر می شود و یکی از مصادیق آن صدقه ها و کارهای خیری است که افراد در قبال یکدیگر انجام می دهند. در واقع به مفهوم "بر" خیلی ظلم شده است و آن قابلیت هایی که اسلام به "بر" تزریق کرده تا از آن یک مفهوم

اجتماعی و مناسباتی بسازد و آن را در فضاهای جامعه به عنوان یکی از اصلی ترین رفتارها قرار بدهد، کاملاً مغفول است در صورتی که "بر" فلسفه‌ی اجتماعی دارد. تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ (سوره مائده آیه 2) به ما می گوید "بر" در مقابل اثم و عدوان یک مفهوم اجتماعی وسیع دارد و زیرساخت جامعه هست و از طرف دیگر جنبه‌ی حقوقی نیز دارد، چون در مقابلش عدوان است که جنبه‌ی حقوقی دارد.

پیامبر اسلام (ص) می فرمایند: الْبِرُّ مَا طَابَتْ بِهِ النَّفْسُ وَاطْمَأَنَّ السَّلْبُ وَالْإِثْمُ وَالْعُدْوَانُ مَا جَالَ فِي النَّفْسِ وَتَرَدَّدَ فِي الصَّدرِ (الجعفریات (الأشعثیات) ص 148)

بر" مایه‌ی آرامش و سکون نفس و بالتبع مایه‌ی آرامش جامعه است و در مقابل عدوان و اثم، مایه‌ی بهم ریختگی و اضطراب و اختلال جامعه هست. امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: الْبِرُّ وَحُسْنُ الْخُلُقِ يَعْمُرَانِ الدِّيَارَ وَيَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ (کافی ط اسلامیة ج 2 ص 100)، "بر" در کنار حُسن خلق قرار گرفته است، اینها شهرها را عمران و آبادانی می بخشند و بر عمرها می افزایند یعنی اگر کسی حسن خلق داشت و اهل "بر" بود خداوند عمر او را افزایش می دهد.

پیامبر گرامی اسلام در روایت دیگر فرمودند: الْبِرُّ وَ الْحَسَنُ الْجَوَارِ زِيَادَةٌ فِي الرِّزْقِ وَعِمَارَةٌ فِي الدُّنْيَا (مستدرک الوسائل ج 8 ص 426)، یکی دیگر از کارکرد های "بر" این است که جامعه را پیشرفت می دهد و یکی از دستورات اسلام ایجاد آبادانی و عمران در زمین است که زمینه همه اینها با "بر" فراهم می شود.

تاریخچه‌ی بر"

قبل از اینکه دینی بیاید یا دینی وجود داشته باشد "بر" به عنوان انسانی ترین و مثبت ترین مفهوم بین بشری مطرح است و دین وقتی آمد پایه های آن را در فطرت بشر تحکیم بخشید و آن را تقویت کرد و ابعاد بیشتری به آن بخشید. در نگاه بشر "بر" مرز نمی شناسد، یعنی شما هر کسی باشید و هر چه باشید، اگر عمل نیک از شما سر بزند یک انسان نیکوکار در فضاهای اجتماعی به حساب می آید. اینطور نیست که "بر" فاعل خاص داشته باشد، مثلاً اگر طبقه‌ی خاصی "بر" انجام دادند فقط از آنها پذیرفته می شود، بر" قوامش به خودش است. هرکسی بتواند "بر" را انجام دهد او یک انسان نیکوکار است. از طرف دیگر به هر کس، حتی به حیوانات هم اگر رفتار نیکوکارانه داشته باشید، بشر این را "بر" به

برّ در فضاهای بشری بلا مرز و بی قید و قيود است، آیا در فضاهای اسلامی نیز همین طور است یا دین تعریفی ارائه کرده و قيودی را برای شخص "برّ" لازم شمرده و هر کس عمل نیکی را انجام داد و این قيود را هم در خودش پیشاپیش و یا همراه با عملش فراهم آورد، ما این را نیکوکار می دانیم و گر نه فقط به خودش زحمت داده است و هیچ فایده ای ندارد! دین برای فاعل "برّ" و نه برای منتفع از "برّ" هیچ قیدی قائل نیست. البته فاعل "برّ" اگر نیت خالص داشته باشد دو تا "برّ" انجام می دهد یک "برّ" در پیشگاه خداست یک "برّ" خدمتی است که به بشر یا حتی به حیوانی می کند. در واقع بهترین "برّ"، "برّ" چند لایه ای است، یک لایه ی "برّ" عبودیت است و اطهار خضوع و خشوع و بندگی در پیشگاه خداست و این با نیت خالص است. یک "برّ" هم این است که نسبت به ممنوعت منشأ خیر بشوید، ولی معنایش این نیست که اگر نیت خالص نداشتید در کمکی که به یک انسان می کنید دیگر "برّ" از شما سر نزند. بعضی از اعمال شرطش اسلام است و بدون اسلام اصلاً قبول نیست، در اینجا حتی شرط اسلام هم در اطلاق عنوان "برّ" قید نیست. امام علی (علیه السلام) می فرماید: لَا بُدَّ لِّلنَّاسِ مِّنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ (نهج البلاغه خطبه 40) چاره ای از یک حکومت نیست (می خواهد حکومت درون جامعه ی اسلامی را بیان کند) یعنی هر جامعه ای یک امیری باید داشته باشد حالا بَرّ باشد یا فاجر باشد. در حکومتهای غیر اسلامی که مسلمان نیستند ولی بَرّ آنجا هم ممکن است.

کسانی که از «برّ» بهره می برند:

منتفع از "برّ" را می توانیم در چند فرض مطرح کنیم؛

فرض اول: منتفع از "برّ" فقط مومنین هستند، شاید در ذهن خیلی ها همین باشد که اگر به یک مؤمن خدمت کردی "برّ" است. اگر این فرض در فضاهای مذهبی بیاید هر مذهبی خیال می کند که "برّ" منحصر در اتباع آن مذهب خاص است.

فرض دوم: دامنه ی مخاطبان و منتفعان از "برّ" فراتر از مومنان می باشد، می گویند: در جامعه ی اسلامی می توانید به هر مسلمانی، حتی مسلمان غیر متعهدی، "برّ" داشته باشید.

فرض سوم: فراتر از این حد می رود می گوید به هم نوع خودت، نظیرُ لک فی الخلق، به هر فردی از بشر اگر عمل نیکوکارانه ای داشتید، این هم "بر" است.

فرض چهارم: "بر" منحصر به آدمیان نیست بلکه اگر به حیوانات و محیط زیست و طبیعت هم رفتار سالم و غیر تخریبی و مراعات کننده ای داشتید این "بر" است.

لَا يَنْهَىٰ كُمْ اللّٰهُ عَنِ الذّٰلِیْنَ لَمْ یُقَاتِلُوْكُمْ فِی الدِّیْنِ وَ لَمْ یُخْرِجُوْكُمْ مِّنْ دِیَارِكُمْ اَنْ تَبَرُّوْهُمْ وَ تُقْسِطُوْا اِلَیْهِمْ ۗ اِنَّ اللّٰهَ یُحِبُّ الْمُقْسِطِیْنَ (سوره ممتحنه آیه 8) این آیه "بر" نسبت به غیر مسلمانانی که در حال مقاتله با ما نیستند و ما را از منزل و زندگیمان دور نساخته اند، مجاز شمرده است و عدل نسبت به آنها را روا دانسته است. پس "بر" بر اساس منطوق آیه، فقط مخصوص مسلمان نیست، بلکه طبق این آیه، "بر" متوجه غیر مسلمان نیز می شود. بر اساس آیه مذکور، شیعه و سنی فتوا داده اند که صدقه دادن به کافر جایز است. امام علی(علیه السلام) در نامه به مالک اشتر می فرماید: رعیت تو در مصر دو دسته هستند؛ اِمَّا اَخٌ لَّكَ فِی الدِّیْنِ وَ اِمَّا نَظِیْرٌ لَّكَ فِی الْخَلْقِ، ایشان به مالک توصیه به تعامل خوب می کنند، چون بهر حال یا هم دین توست یا هم نوع توست. برای رفع عطش کافران هم روایاتی هست، پس باید ملاک را انسان قرار بدهیم، نه مسلمان و نه مسلمان مؤمن، بلکه انسان بما هو انسان است ملاک "بر" است.

چه چیزی بر" است؟

"بر" منحصر در یک یا چند عمل خاص نیست، هرچیزی که بر سالم سازی و جذب طرف مقابل و زدودن زمینه های عدوان و اختلاف و تباعد و... تأثیر بگذارد، "بر" است. "بر" چیزی است که وقتی به کسی آن را عرضه می کنی او قلبش آرام می شود. "بر" در جامعه دهها و صدها مصداق دارد حتی در جامعه های مدرن امروزی هم ممکن است مصادیق جدیدتری داشته باشد، یعنی یک مفهوم منعطف و بشری است. دین هم بشری بودن آن را پذیرفته است و آن را فقط در جامعه ی خودش محدود نمی کند.

البته هر کار خوب و خیری، "بر" نیست، ملاک خاصی دارد. یعنی یک غلظت و وضعیت ویژه ای باید در عمل خیر باشد تا خیر را "بر" کند! در آیه ی شریفه داریم: لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتّٰی تُنْفِقُوْا مِمّٰۤا تَحِبُّوْنَ (سوره آل عمران آیه 92) شما به "بر" نمی رسید مگر اینکه انفاق کنید آن هم از آنچه که دوست می دارید. اگر از چیزی که دوست نمی دارید انفاق کنید آن هم خیر است، اما "بر"

نیست. روایت دیگری هست، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)؛ إِنَّ أَسْرَعَ الْخَيْرِ
ثَوَابًا الْبِرُّ (کافی (ط - دار الحديث) ؛ ج 4 ؛ ص 283)

یعنی با شتاب ترین خیرها برای جلب ثواب، "بر" است. خیر یک معنای عام تری دارد، اما روایت می
فرماید: یک نوعی از خیر ثواب بیشتری جلب می کند، معنایش این است که خیرهای دیگر هم ثواب جلب می
کنند اما شاید ثواب را با کُنْدی جمع کند. نباید "بر" را با اعمال خیر دیگر هم تراز کنیم. یکی از
اصحاب امام صادق (علیه السلام) می فرماید: اکثر ما یوصینا به ابو عبد الله (علیه السلام) البر و
الصله (قرب الاسناد ص 43) بیشترین چیزی که امام صادق (علیه السلام) همیشه به ما توصیه می کردند "بر"
بود، پس "بر" زیر ساخت است یعنی اگر جامعه ای "بر" داشت این می تواند اتحاد و وحدت داشته باشد
می تواند.

رابطه ی وحدت با بر

یکی از بازتابهای "بر"، تآلف و وحدت است. "بر" دو رابطه با وحدت دارد، اولاً دعوت به وحدت، نوعی
"بر" است بلکه بزرگترین "بر" این است که اصلاح جامعه ی اسلامی بکنید، هر جا اختلافی هست کوشش کنید
دیگران را جمع کنید اختلاف را بزدايید. ثانياً خدمات جزئی به همه ی مخاطب ها، نه فقط شیعه به شیعه
خدمت بکنند، بلکه شیعه به سنی خدمت کند و سنی به شیعه خدمت کند، اگر این کار را بکنید و وحدت هم
در نظرت نباشد چون کارکرد وحدت آمیز دارد، "بر" است. اگر دنبال تفرقه بودید خیال نکنید فقط
"بر" ندارید، بلکه مرتکب اثم شده اید. روایتی از امام صادق (علیه السلام) هست که ارتباط "بر" را
با وحدت نشان می دهد، می فرمایند: و من خالص الایمان البر بالاخوان (کافی ط اسلامیه ج 4 ص 41)، از
آن ایما نهای خالص نیکوکاری نسبت به برادران است. منظور از برادران اتباع مذهب متبوع نیست، ادبیات
دین از روز اول اخوت را روی امت پیغمبر برده است. انما المومنون اخوه مربوط به همه مسلمانان است
هم فعل پیغمبر دلالت دارد که اخوت باید در میان تمام امت اسلام باشد هم روایتی در این زمینه
داریم.

فلسفه ی بر در جامعه

فلسفه ی بر در جامعه این است که اولاً روندهای حاکم بر جامعه را روندهای انسانی، سالم، اطمینان
بخش و آرامش بخش می کند و جامعه را از تنش و مقابل هم ایستادن و ظلم به یکدیگر و انرژی همدیگر را
از بین بردن، جدا می کند. طبیعتاً ابتدا آرامش در تک تک قلبها ایجاد می شود و برآیند این آرامشها،

آرامش اجتماعی است. ثانياً جامعه‌ی سالم و آرام آستن پیشرفتهاست و پیشرفت معنوی و مادی و علم
آموزی و رفع مشکلات جامعه و... را به ارمغان می‌آورد.

منبع: مجله الکترونیکی اخوت